فصلنامه کارنو

نشریه تخصصی
نوآوری، فناوری
و کارآفرینی

بهار ۱۴۰۵
ویژه‌نامه جنگ رمضان

فناوری، فرمانده جنگ امروز

ورق جنگ با هوش
مصنوعی برگشت

تقریب حلقه گمشده
آغاز جنگ

قطعی اینترنت و
مرگ کسب‌وکارها

سایه فناوری بر
سر جنگ منطقه‌ای

TURKEY
SYRIA
IRAN
IRAN
EGYPT
SAUDI ARABIA
OMAN
YEMEN

فصلنامه کارنو

نشریه تخصصی نوآوری، فناوری و کارآفرینی

بهار ۱۴۰۵
ویژه نامه ی جنگ

بسم الله الرحمن الرحيم



عرصه‌ی کار، صحنه‌ی وسیعی است به‌وسعت کشور که از داخل خانه‌ها، ادارات و واحدهای کسب و کار و مساجد گرفته تا مزارع و کارگاهها و کارخانه‌ها و معادن و انواع زیادی از مشاغل خدماتی کشیده میشود. هرچقدر این پهنه‌ی وسیع از دو عنصر سخت کوشی و تعهّد که از ارکانِ هر توفیق بزرگی بشمار میروند بیشتر بهره‌مند باشد، پیشرفتگی کشور، بیشتر و بهتر تضمین میگردد.

آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای
۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۵

فصلنامه کارنو
ویژه نامهٔ جنگ

شناسنامه

صاحب امتیاز:
دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

مدیر مسئول: میثم ویسی
سردبیر: پیام عزیز
طراح جلد و صفحه آرا: شیوا نظری

شماره تماس: ۰۲۱۶۶۴۶۵۲۵۲

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، نرسیده به پل کالج کوچه سعید بالاتر از دانشگاه امیرکبیر، سالختمان شماره ۲ دانشگاه مذاهب اسلامی طبقه سوم

شبکه های اجتماعی: mazahebkar

با تشکر از همراهی و حمایت‌های معاونت پژوهش و فناوری
دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

فهرست مطالب

یادداشت مدیر مسئول (جنگ تاب‌آوری اقتصادی و دیجیتال) ۷

سایه فناوری بر سر جنگ منطقه ای ۸

ورق جنگ با هوش مصنوعی برگشت ۱۰

گردش مالی صنعت نظامی‌گری ۱۴

قطعی اینترنت و مرگ کسب و کارها ۱۵

تقریب حلقه گمشده سرآغاز جنگ ۱۸

کاسبان جنگ ۲۰

هوش مصنوعی فرمانده اتاق جنگ ۲۱

حضور نظامی ایالات متحده دراروپا ۲۴

نقش هوش مصنوعی در جنگ اخیر ۲۵

روایت دیجی کالا از زندگی مردم در جنگ ۲۸

ضرورت بازنگری در حوزه همزیستی میان مذاهبی در دوره‌ی پسا جنگ ۲۹



یادداشت مدیرمسئول
جنگ تاب‌آوری اقتصادی و دیجیتال

میثم ویسی

بعد از گذار از فاز نخست جنگ میان ایران و آمریکا و ناتوانی آمریکایی در چنج رژیم و شکست نظامی ایران در میدان نبرد در فاز دومش به مرحله جنگ تاب‌آوری اقتصادی برای هردو طرف و دیجیتال خاصه برای ایران رسیده‌است.

ایران آنها را با بستن تنگه و افزایش قیمت نفت محک می‌زند و آمریکا نیز با محاصره دریایی این تقابل را تشدید می‌کند. درواقع آمریکا در تلاش است تا فروش نفت را مختل کند تا درآمد ارزی ایران را کاهش یابد و به همین واسطه تورم ایران را به ابرتورم تبدیل گردد و گرانی سبب نارضایتی عمومی گردد. ازآنسو افزایش قیمت نفت به واسطه قفل شدن تنگه تأثیر مستقیمی بر افزایش قیمت بنزین درآمریکا و تورم کالاها داشته است.

و درواقع نه ما میتوانیم آنها را نابود کنیم نه آنها ما را. بلکه صرفا فشار را برهم تا جایی ادامه می دهیم که ریسمان تاب‌آوری اقتصادی پاره شود و جامعه دریکی ازاین دو کشور دست به اعتراض و فشار بر دولت برای توقف بزند البته این امرنه سریع و مستقیم ولی حتمی و غیر مستقیم برپایان جنگ اثرگذاری نهایی را ایجاد میکند.

ازآنسو آپارتاید دیجیتالی که امروز در پی قطعی اینترنت و طبقاتی شدن آن در جامعه ایجاد شده خود ترکی برای بازکردن بیشتر این شکاف اجتماعی است که در اثر تاب آوری اقتصادی به وجود آمده که خود نوعی تاب‌آوری دیجیتال را به صورت بالقوه تهدید میکند.

اثر این تاب‌آوری اقتصادی و دیجیتالی بر کسب‌وکارهای آنلاین و پنگاه‌های اقتصادی کوچک (sme) میتواند مشهودتر باشد و مسیر درآمدی بسیاری از خانوارها را در پی بیکاری و تعدیل نیرو تحت تأثیر قرار دهد و خود ضامن نارنجکی است که آماده انفجار در قلب اتحاد میهنی است که در پی جنگ به دست آمده.

تاب‌آوری سیستم اقتصادی ایران در مواجه با محاصره و تحریم حساب پس داده و قابل کنترل است اما تاب‌آوری دیجیتالی می‌تواند اثر جبران ناپذیر بر اتحاد اجتماعی داشته باشد که ممکن است القای حس درجه‌بندی در میان شهروندان را ترویج کند. امید است سیاستگذاری درست در سطح کلان مانع این امر شود.



سایه فناوری بر سر جنگ منطقه‌ای

در تقابل مستقیم یا نیابتی ایران و آمریکا، فناوری بیش از حجم نیرو یا تسلیحات متعارف، تعیین‌کننده شدت آسیب‌پذیری و عمق بازدارندگی است. تجربه میدانی نبرد نشان می‌دهد که صحنه جنگ امروز به صحنه رقابت در فناوری‌های پیشرفته تبدیل شده و بخش بزرگی از آسیب‌پذیری‌های کشور در این مقطع، ناشی از عقب ماندگی نسبی در تعدادی از فناوری‌های راهبردی است. در نقطه مقابل، پاسخ‌های بازدارنده ایران عمیقاً مبتنی بر فناوری‌های توسعه‌یافته نظامی بوده است؛ نمونه آن هدف قرار دادن یک رادار میلیارد دلاری با پهپادهای چند ده هزار دلاری یا خنثی سازی جنگنده‌ای است که صدها میلیون دلار برای ویژگی غیرقابل رهگیری بودن آن هزینه شده بود.

با این حال، در کنار این موفقیت‌ها، برخی آسیب‌پذیری‌های کشور در طول جنگ و کاهش تاب‌آوری زیرساختی، ریشه در عقب‌ماندگی مقطعی در توسعه برخی فناوری‌های کلیدی دارد. از جمله این فناوری‌ها می‌توان به حوزه‌های شناسایی و پایش هوشمند، جنگ الکترونیک و سایبری، سامانه‌های مخابراتی و ارتباطی امن، و فناوری‌های پیشرفته مواد و انرژی اشاره کرد. جنگ همچنین با تخریب زیرساخت‌ها و افزایش شدید هزینه های دولت، محدودیت مالی قابل توجهی ایجاد کرده است. در چنین تنگنایی، اتلاف منابع، موازی‌کاری سازمانی و پراکنده‌کاری در پروژه‌های فناورانه، نه تنها قابل دفاع نیست، بلکه روند بازسازی و بازتوانی دفاعی و اقتصادی کشور را مختل می‌کند.

اینجاست که منطق اصلی خود را نشان می‌دهد: انتخاب و تمرکز بر فناوری های مشخص در شرایط کمبود منابع، می‌تواند خود یک منبع قدرت ملی باشد. تجربه موفق برتری موشکی ایران حاصل چند دهه تمرکز هدایت شده در یک حوزه مشخص بوده است.

اما بررسی شرایط فعلی نشان می‌دهد که تعدد اسناد ملی و بخشی، ناهمگونی رویکردها و تکثر اولویت‌ها، موجب شده مفهوم اولویت عملاً بی معنا شود. نقشه جامع علمی با بیش از ۱۲۴ اولویت، صدها محور پژوهشی شورای عتف و فهرست‌های متعدد صنعتی، باعث توزیع منابع محدود بین صدها پروژه خرد شده است؛ وضعیتی که مانع انباشت جرم دانشی و شکل گیری توان رقابتی و نوآوری عمیق در هر حوزه می‌شود. رقابت فناوری در جهان امروز نه رقابت تعداد حوزه‌ها، بلکه رقابت عمق توانمندی در چند فناوری کلیدی است.

بررسی راهبردهای کشورهای دیگر نیز همین رویکرد را تأیید می‌کند. آمریکا با قانون چیپس اکت و ترکیه با برنامه HIT30 و تخصیص سی میلیارد دلار به شش حوزه اساسی فناورانه، عمده تمرکز منابع و ظرفیت سازمانی خود را بر چند محور کلیدی متمرکز کرده‌اند. بر این اساس، ضروری است ایران نیز با توجه به حجم منابع واقعی زیست‌بوم علم و فناوری کشور که حدود یک میلیارد و هفتصد میلیون دلار برآورد می‌شود، از فهرست‌های بلند و ناهمگون فاصله بگیرد و تمام ظرفیت سیاستی، مالی و نهادی خود را به صورت دوره‌ای و متمرکز روی تعداد معدودی فناوری راهبردی متمرکز کند.

تحقق این هدف مستلزم مجموعه‌ای از قواعد و سازوکارهای سیاستی، نهادی و مالی است. محدود کردن تعداد اولویت‌ها، تجمیع و جهت‌دهی منابع مالی کشور، بهره گیری از ظرفیت مغفول نهادهای مالی زیست‌بوم فناوری، تمرکز بر توسعه فناوری‌های دوگانه و لزوم هم‌راستاسازی ظرفیت بخش‌های مختلف علم، فناوری و نوآوری، زمینه تحقق عملی این تمرکز را فراهم می‌کند. در غیر این صورت، حتی فناوری‌های موفق و نقطه‌ای مانند پهپادهای ارزان‌قیمت نیز به دلیل ضعف در پشتیبانی الکترونیک و سایبری، در جنگ تمام‌عرض با آمریکا به سرعت خنثی خواهند شد. قدرت آینده در میدان نبرد، نه در گستردگی حوزه‌های پژوهشی، بلکه در عمق تمرکز و قدرت انتخاب هوشمندانه نهفته است.



ورق جنگ با هوش مصنوعی برگشت

هوش مصنوعی در جنگ اخیر میان ایران و آمریکا (و شبکه‌ای شامل اسرائیل) دیگر یک ابزار جانبی نبود، بلکه عاملی بود که معادله سنتی «حمله و پدافند» را دگرگون کرد. آنچه در این تقابل دیده شد، نشانه آغاز فصلی جدید در جنگ‌های نامتقارن است؛ فصلی که در آن الگوریتم‌ها، نه صرفاً آتش سنگین، تعیین می‌کنند چه کسی پیش از شلیک گلوله اول، میدان را دیده و تحلیل کرده است.

۱. آمریکا و اسرائیل: جنگ هوشمند مبتنی بر سکوهای تحلیل انبوه داده

طی ماه‌های منتهی به تبادلات آتش اخیر، آمریکا و اسرائیل از مجموعه‌ای از سامانه های هوش مصنوعی برای مقابله با ایران استفاده کردند که مهم‌ترین آنها عبارتند از:

سامانه «گاسپل» (Gospel) در ارتش اسرائیل: این پلتفرم مبتنی بر یادگیری ماشین، وظیفه پردازش حجم عظیم داده‌های نشانه‌های الکترونیک، تصاویر ماهواره‌ای و ارتباطات رهگیری‌شده را بر عهده داشت. گاسپل در تشخیص زودهنگام آمادگی ایران برای پرتاب موشک‌های بالستیک یا پهپادها، نقشی کلیدی ایفا کرد و زمان هشدار را از چند ساعت به کمتر از یک دقیقه کاهش داد.

سامانه «آتش کار» (Fire Weaver) در همکاری آمریکا و اسرائیل: این سیستم که بر روی سکوهای مشترک پیاده‌سازی شده، داده‌های حسگرهای پراکنده (رادارهای زمینی، پهپادها و ماهواره‌ها) را با الگوریتم‌های ترکیب داده، یک تصویر واحد و زنده از میدان نبرد می‌ساخت. سپس بهترین سامانه پدافندی (مثلاً پیکان یا گنبد آهنین) را برای درگیری به صورت خودکار انتخاب می‌کرد.

پروژه «شـاهین بالـدار» (Wingman – AI پهپادهـا)؛ پهپادهـای ایکس کیـو-۵۸آ والکـیری آمریکا کـه با هوش مصنوعـی هدایت می‌شـدند، در نقش جـذب کننـده سـامانه‌های پدافنـدی ایـران عمـل کردند. ایـن پهپادهـا به جای فرمانـده انسـانی، خـود مسـیرهای فریبنـده را طراحـی می‌کردنـد تـا موقعیت رادارهای دشمن لو برود.

• سیسـتم‌های تشـخیص چهره و صـدا (مانند ویـوز و رِکونیت): در مرحله سـایبری و نفـوذ به زیرسـاخت‌های فرماندهـی و کنترل ایـران، از ایـن ابزارها برای بازشناسـی فرماندهـان و افسـران کلیدی اسـتفاده شـد تا زمان و مـکان دقیق بـرای اقدامات غیربرخوردی تعیین گردد.

هـدف این مجموعه، نه صـرفاً انهدام فیزیکی، بلکـه «اختلال در حلقـه تصمیم ایران» بـود. هوش مصنوعی بـه اسـرائیل و آمریکا اجازه داد سـرعت تصمیم را بـه حدی بالا ببرند که ایران عملاً فرصت واکنش راهبردی را از دست بدهد.

۲. ایران: هوش مصنوعی در نقش خنثی‌کننده و حفظ معادله عدم تقارن

در سـوی مقابـل، ایـران اگرچه به سـامانه‌های ابررایانه‌ای غرب دسترسـی نـدارد، اما از هوش مصنوعی در سه محور کلیدی بهره برده است:

• بازشناسـی الگو در پدافند موشـکی و پهپـادی: ایران در جنـگ اخیـر از الگوریتم‌های بومی پردازش سـیگنال در سـامانه‌هایی مثل «باور-۳۷۳» و «نواب» اسـتفاده کرد که توانستند اهداف کاذب تولیدشـده توسـط هوش مصنوعـی آمریـکا را از کلاهک‌هـای واقعی تفکیک کننـد. این الگوریتم‌ها که بر پایه شـبکه‌های عصبی کانولوشـنال طراحی شـده بودند، با تحلیل الگوی راداری اهداف متحرک، نرخ خطای پدافند را تا ۴۰ درصد کاهش دادند.

هـوش مصنوعی در جنگ درگاه‌هـا (تنگه هرمز): یکی از هوشـمندانه‌ترین کاربردها، اسـتفاده از سـامانه‌های تصمیم‌یار مبتنی بر یادگیری تقویتی بـرای مدیریت مین ها و اژدرهای هوشمند در تنگه هرمز بود.

این سامانه که «شهید سلیمانی» نامگذاری شده، با تحلیل تردد کشتی‌های نظامی و تجاری، الگوریتمی برای بستن گزینشی تنگه طراحی می کرد؛ به این معنا که فقط شناورهای متخاصم را هدف قرار دهد بدون آنکه تردد تجاری کاملاً متوقف شود. این رویکرد مانع از ورود ناوگان پنجم آمریکا به منطقه درگیری مستقیم شد.

پهپادهای حمله‌کننده گروهی با هوش مصنوعی توزیع‌شده (مثل شاهد-۱۳۶ هوشمند): در مرحله دوم تقابل، ایران نسخه‌ای از شاهد-۱۳۶ را به کار گرفت که در آن الگوریتم‌های هدایت نهایی (Terminal guidance) مبتنی بر بینایی ماشین بود. این پهپادها پس از قطع ارتباط ماهواره‌ای، با شناسایی خودکار شکل رادار یا سکوی پرتاب موشک، بدون نیاز به فرمانده، آخرین مسیر را انتخاب می‌کردند. این قابلیت باعث شد چندین سامانه پدافندی پیشرفته آمریکا در اردن و عراق فریب بخورند.

۳. برگرداندن ورق: کدام طرف از هوش مصنوعی سود برد؟

نتیجه جنگ اخیر نشان داد هوش مصنوعی فاقد برنده مطلق است، اما برگرداندن ورق را برای طرف ضعیف‌تر ممکن می‌کند. آمریکا و اسرائیل در لایه اطلاعات و حمله سایبری با هوش مصنوعی برتری داشتند و توانستند زمان واکنش ایران را مختل کنند. اما ایران در لایه پدافند نقطه‌زنی و به ویژه مدیریت درگاه‌ها نشان داد که با هوش مصنوعی ارزان و متمرکز می‌توان هزینه حمله بزرگ را برای دشمن به شدت افزایش داد.

نکته مهم این است که هوش مصنوعی نه در شلیک موشک، بلکه در تصمیم برای شلیک نکردن اثرگذار بود. سامانه‌های ایران چندین بار حمله متقابل را در لحظه آخر متوقف کردند چون الگوریتم به

آنها هشدار داد که هدف تشخیص‌داده‌شده، یک کشتی تجاری حامل شهروندان غیرمتخاصم بوده است. این سطح از دقت، پیش از این فقط در اختیار ارتش‌های دارای ابرقدرت پردازشی بود.

نگاه نهایی: جلب توجه به نیاز فناوران جنگ‌های هوشمند

جنـگ اخیر ثابت کرد هر کشـوری بـدون اسـتراتژی هوش مصنوعی در سـه حوزه «پـردازش سـیگنال‌های دشـمن»، «اخـتلال در تصمیـم دشـمن» و «مدیریـت خـودکار درگاه‌هـا و تنگه‌هـا» عـملاً غیررقابتی اسـت. آنچه دنیـا از ایـن تقابل یاد گرفـت این بود که دیگـر بودجه نظامـی بزرگ، بدون الگوریتم‌های هوشـمند ترکیب داده، بی‌اثـر اسـت. ایران نشـان داد کـه با سـرمایه‌گذاری هدفمند بـر روی یادگیری ماشـین در پدافند و کـنترل آتش، می‌توان شـکاف فناورانه را تا حدی پـر کرد. اما در همـان حال، ضعـف در هوش مصنوعی تهاجمـی و رمزنـگاری کوانتومی، مهمترین آسـیب‌پذیری آینـده خواهـد بـود. بدیـن ترتیب، چشـمان جهـان به ایـن واقعیت دوخته شـد که جنـگ بعدی، جنگِ اپلیکیشـن‌های تحلیل‌گـر و الگوریتم‌هـای فریبنده خواهد بود، نه انبار مهمات.



بر اساس آخرین گزارش مؤسسه تحقیقات صلح استکهلم (SIPRI)، هزینه‌های نظامی جهان در سال ۲۰۲۵ به ۲.۸۸ تریلیون دلار رسیده است که نسبت به سال قبل ۲.۹ درصد افزایش نشان می‌دهد. این رقم به ازای هر نفر روی کره زمین ۳۵۰ دلار هزینه نظامی است. پنج کشور بزرگ هزینه‌کننده نظامی در سال ۲۰۲۵ عبارتند از: ایالات متحده (۹۵۴ میلیارد دلار)، چین (۳۳۶ میلیارد دلار)، روسیه (۱۹۰ میلیارد دلار)، آلمان (۱۱۴ میلیارد دلار) و هند (۹۲ میلیارد دلار). این پنج کشور بیش از نیمی (۵۸ درصد) از کل هزینه‌های نظامی جهان را به خود اختصاص داده‌اند. ایالات متحده به تنهایی بیشتر از شش کشور بعدی جمعاً هزینه نظامی می‌کند.

از سال ۱۹۴۹، ایالات متحده حداقل ۵۳.۵ تریلیون دلار برای ارتش خود هزینه کرده است که بیش از نیمی از کل هزینه‌های نظامی جهان (بیش از ۱۰۰ تریلیون دلار) را تشکیل می‌دهد. هزینه‌های نظامی معمولاً الگوی قابل پیش‌بینی افزایش در زمان جنگ و کاهش در دوره‌های صلح را دنبال کرده است. پس از جنگ جهانی دوم، هزینه‌ها در اوایل دهه ۱۹۵۰ به سرعت افزایش یافت (از ۲۸۴ میلیارد دلار در ۱۹۵۰ به ۷۸۸ میلیارد دلار در ۱۹۵۳) که عمدتاً بازتاب جنگ کره بود. در اواخر دهه ۱۹۶۰، هزینه‌ها برای اولین بار از مرز یک تریلیون دلار عبور کرد.

پس از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، هزینه‌های نظامی آمریکا دوباره افزایش یافت و جنگ‌های طولانی در افغانستان و عراق باعث شد هزینه‌های جهانی برای اولین بار در سال ۲۰۰۹ از ۲ تریلیون دلار فراتر رود. در دهه گذشته، هزینه‌های نظامی جهانی دوباره رو به افزایش بوده است. سال ۲۰۲۵ بالاترین سطح هزینه‌های نظامی در تاریخ را رقم زده است، با افزایش ۴۱ درصدی نسبت به سال ۲۰۱۶ (از ۱.۶۹ تریلیون دلار به ۲.۸۸ تریلیون دلار).



قطعی اینترنت و مرگ کسب‌وکارها

در این نوشتار نگاهی میکنیم به مرگ تدریجی کسب‌وکارها در اثر قطعی اینترنت و محدودیت دسترسی‌ها بخاطر جنگ اخیر

با آغاز حملات آمریکا و اسرائیل در ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ (۹ اسفند ۱۴۰۴)، ایران وارد یک درگیری تمام‌عیار شد. در همان روز اول اینترنت جهانی به طور کامل قطع شد و این قطعی، برخلاف ادوار قبلی که حداکثر ۱۲ روز طول کشیده بود، تا زمان نگارش این گزارش (اردیبهشت ۱۴۰۵) همچنان ادامه دارد. نتایج این خفگی دیجیتال طولانی مدت، فاجعه‌ای بی‌سابقه برای معیشت و اشتغال کشور رقم زده است.

۱. کلان‌ارقام خسارت: اقتصاد دارد «خون‌ریزی داخلی» می‌کند

این قطعی دیگر یک «اخلال موقت» نیست، بلکه به یک «حمله اقتصادی پایدار» تبدیل شده است:

- طولانی‌ترین قطعی: این قطعی که یکی طولانی‌ترین دوره قطع اینترنت در مقیاس ملی در جهان معاصر است، در حالی که برآوردهای اولیه وزارت ارتباطات خسارت روزانه را ۳۵ تا ۴۰ میلیون دلار اعلام کرده بود ، گزارش‌های جدید اتاق بازرگانی ایران از ۸۰ میلیون دلار خسارت مستقیم و غیرمستقیم در هر روز خبر می‌دهند .

همچنین معاون وزیر کار ایران اعلام کرده که از زمان شروع جنگ، حدود ۲ میلیون نفر شغل خود را از دست داده‌اند و صنایع دیجیتال یکی از اصلی‌ترین قربانیان هستند .

۲. جهنم کسب‌وکارها: مرگ سوشال مدیا

اقتصاد دیجیتال ایران که وابسته به شبکه‌های اجتماعی خارجی (به ویژه اینستاگرام) بود، عملاً نابود شده است. و مرگ فروشگاه‌های اینترنتی را رقم زده است.

همچنین دیجی‌کالا، بزرگترین فروشگاه آنلاین ایران، مجبور به تعدیل ۲۰۰ نفر از کارکنان خود (حدود ۳ درصد نیرو) شده است .

ظهور «واسطه‌های طبقاتی»: اما اشتباه دولت در این بود که به جای رفع قطعی، اقدام به توزیع «سیم‌کارت‌های سفید» و «بسته‌های حرفه‌ای اینترنت پرو» برای افراد خاص و برخی اصناف خاص کرده است. نظام صنفی رایانه‌ای این اقدام را «توهین به حقوق شهروندی» و «سوءاستفاده از نیاز اساسی مردم» خوانده است .

۳. فروپاشی سرمایه اجتماعی:

این قطعی طولانی‌مدت، شکاف نسلی و اجتماعی را به بحران تبدیل کرده است:

نسل «آفلاین»: دانش‌آموزان و دانشجویان به منابع آموزشی دسترسی ندارند و نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی قطع شده‌اند که این امر حس انزوای جمعی را ایجاد کرده است.

انجمن صنفی کسب‌وکارهای اینترنتی ایران هشدار داده که بیش از ۴۰۰ هزار کسب‌وکار کوچک و متوسط (SMEs) در آستانه ورشکستگی قرار دارند و هر ساعت قطعی تقریباً ۱.۵ میلیون دلار به این مشاغل لطمه می‌زند .

قطع اینترنت در ایران تنها به کاهش فروش منجر نمی‌شود؛ بلکه توانایی «تولید» و «ارائه خدمات» را به طور کامل فلج می‌کند.

اقتصاد دیجیتال ایران حدود ۱۰ میلیون نفر را به طور مستقیم درگیر کرده است.

اما قطعی اینترنت، معنی اشتغال برای این جمعیت را از بین برده است، همچنین با قطع دسترسی به سرورهای ابری خارجی (AWS، گیت‌هاب، ابرهای آرمانی) و عدم امکان برگزاری جلسات آنلاین، بازار کار فریلنسری از بین می‌رود. شکاف نسلی عمیقی ایجاد شده؛ جمعیت زیر ۳۰ سال که متکی به شبکه‌های جهانی هستند، عملاً از فرصت‌های شغلی بین‌المللی طرد می‌شوند

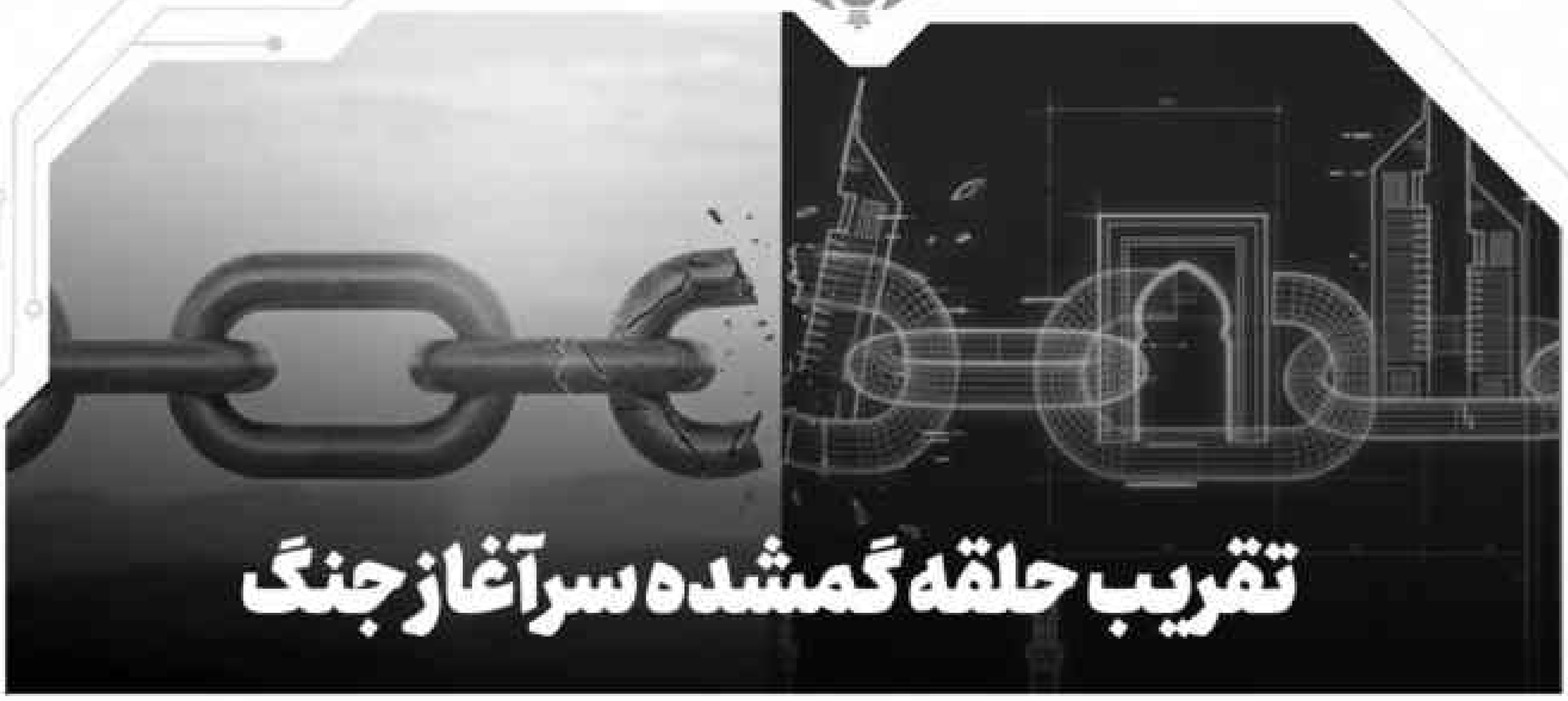
بازار مافیای (VPN): وضعیت به گونه‌ای است که دولت و کارفرمایان، هزینه این ناامنی را به دوش حقوق‌بگیران دیجیتال می‌اندازند. حدود ۷۱ تا ۸۴ درصد کاربران مجبور به خرید VPN هستند که هزینه ماهیانه آن در جنگ اخیر تا چند میلیون هم برای هر گیگ، تقریباً معادل کل قبض اینترنت یک خانوار یا معادل دو برابر هزینه دیتای موبایل است . این هزینه اضافی در عمل به معنای کاهش حقوق واقعی مردم در شرایط تورمی است.

۴. طلاق دیجیتال: کرونا، جنگ و نابودی سرمایه اجتماعی

پیروزی این جنگ به گام کسب‌وکارها تلخ شد

قطع اینترنت در زمان جنگ، اگرچه شاید با هدف محدود کردن جریان اطلاعات دشمن طراحی می‌شود، اما به یک سلاح خودزنی (Self-Inflicted Wound) اقتصادی تبدیل شده است. مجموع شواهد نشان می‌دهد که کسب‌وکارهای دیجیتال، اولین و اصلی‌ترین قربانیان غیرنظامی این جنگ سایبری هستند.

نرخ بالای استفاده از VPN نشان می‌دهد که اختلال در دسترسی، به هیچ وجه مانع استفاده مردم نمی‌شود، بلکه تنها هزینه کسب‌وکارها و افراد را افزایش می‌دهد.



تقریب حلقه گمشده سرآغاز جنگ

تقریب و همگرایی میان کشورهای اسلامی به عنوان مکانیسمی کارآمد برای پیشگیری از جنگ‌های درون‌تمدنی در جهان اسلام بدل شده استدلال اصلی آن است که نبود نهادهای عملیاتیِ تقریب، بستر مناسبی برای مداخله قدرت‌های خارجی و تشدید منازعات منطقه‌ای فراهم کرده است. در مقابل، فعال‌سازی ظرفیت‌های موجود تقریب -چه در سطح سازمان‌های بین‌دولتی و چه در سطح مجامع نخبگانی- می‌تواند به سازوکاری بازدارنده و حل‌کننده اختلافات بدل شود که از وقوع جنگ‌های آینده جلوگیری می‌کند.

تقریب؛ از یک مفهوم آرمان‌شهری تا یک ضرورت راهبردی

تقریب در جهان اسلام، برخلاف برداشت‌های رایج، صرفاً یک اندیشه اخلاقی یا کلامی نیست. در عرصه روابط بین‌الملل، تقریب به معنای ایجاد شبکه‌ای از تعهدات جمعی، منافع مشترک و مکانیسم‌های حل اختلاف است که هزینه تجاوز به یک کشور مسلمان را برای هر بازیگر خارجی یا داخلی به حد غیرقابل تحمل می‌رساند. جهان اسلام با ۵۷ کشور و جمعیتی بیش از ۱.۸ میلیارد نفر، از نظر جمعیتی و منابع، قدرتی فراقاره‌ای است. اما این قدرت بالقوه در غیاب تقریب، نه تنها به بازدارنده تبدیل نمی‌شود، بلکه خود به عرصه‌ای برای رقابت‌های ویرانگر بدل می‌گردد.

تقریب چگونه از جنگ جلوگیری می‌کند؟

۱. بازدارندگی جمعی
در نظام‌های امنیتی معاصر، بازدارندگی زمانی مؤثر است که دشمن بداند هرگونه تعرض به یک عضو، با واکنش یکپارچه کل

مجموعـه مواجه خواهد شـد. در جهـان اسلام، غیبت یـک پیمان دفاع جمعی اسلامی باعث شـده اسـت که دشـمنان خارجی، کشـورهای مسلمان را به صـورت جداگانه و با هزینه کم هدف قرار دهند. فعال‌سـازی سـازمان همکاری اسلامـی (OIC) بـه عنـوان نهادی بـا اختیـارات بازدارندگـی -فراتـر از بیانیه‌های تشریفاتـی- می‌توانـد این خلأ را پـر کند. تجربـه اتحادیه عرب در مقابلـه با تجاوز بـه کویـت (۱۹۹۰) یا واکنـش ناتو به حملات ۱۱ سـپتامبر، نشـان می‌دهـد که وجود یـک سـاختار دفاع جمعی، حتی اگر ناقص باشـد، تا چـه اندازه می‌تواند از گسـترش درگیری جلوگیری کند.

۲. اقتصاد مقاومت همگرا

یکـی از راه‌های مؤثر مداخلـه قدرت‌های خارجی در کشـورهای اسلامی، تحمیل تحریم های یک‌جانبه اسـت. در غیاب همگرایی اقتصادی، کشـور هـدف، تحریم‌ها را به تنهایی تحمـل می‌کنـد و در بلندمـدت دچار فروپاشـی اقتصادی می‌شـود. اما اگـر نهادهایی چون بانک توسـعه اسلامی (IsDB) و صندوق‌های سـرمایه‌گذاری مشـترک کشـورهای ثروتمند مسـلمان، مکانیسـمی برای "خنثی‌سـازی تحریم‌هـا" و ارائه خطـوط اعتباری اضطراری به کشـورهای تحت فشـار طراحی کنند، آنگاه یکی از مهم‌ترین ابزارهای فشـار قدرت‌هـای خارجـی خنثـی می‌شـود. کشـورهای شـورای همـکاری خلیـج فـارس با سـرمایه‌گذاری‌های مشـترک در مصر و اردن در دهه‌های گذشـته، عملاً مانع فروپاشـی کامـل اقتصـاد آن‌ها شـده‌اند. این الگـو، در مقیاسـی وسـیع‌تر و نهادی‌شـده، می‌تواند ستون فقرات اقتصاد مقاومت اسلامی باشد.

۳. انسداد روایت و دیپلماسی عمومی یکپارچه

جنگ‌های مدرن پیش از آنکه نظامی باشند، جنگ روایت‌ها هستند. در غیاب یک شبکه رسانه‌ای و دیپلماسی عمومی هماهنگ در جهان اسلام، هرکدام از کشورهای مسلمان به تنهایی در برابر ماشین رسانه‌ای غرب قرار می‌گیرند. تقریب در این حوزه به معنای ایجاد ائتلاف رسانه‌ای از شبکه‌های خبری، اتاق‌های فکر مشترک و کمپین‌های دیپلماسی عمومی است که بتوانند روایت واحد و مستندی از یک بحران ارائه دهند. تجربه پوشش مشترک فلسطین توسط الجزیره، العربیه و پرس‌تی‌وی در برخی مقاطع نشان داده که این هماهنگی تا چه اندازه می‌تواند افکار عمومی جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

موانع موجود و راهکارهای عملی

مهم‌ترین مانع در مسیر تقریب اسلامی، نه اختلافات مذهبی یا قومی که نبود اراده سیاسی و ضعف سازوکارهای اجرایی است. برای عبور از این مانع، سه راهکار عملی پیشنهاد می‌شود:

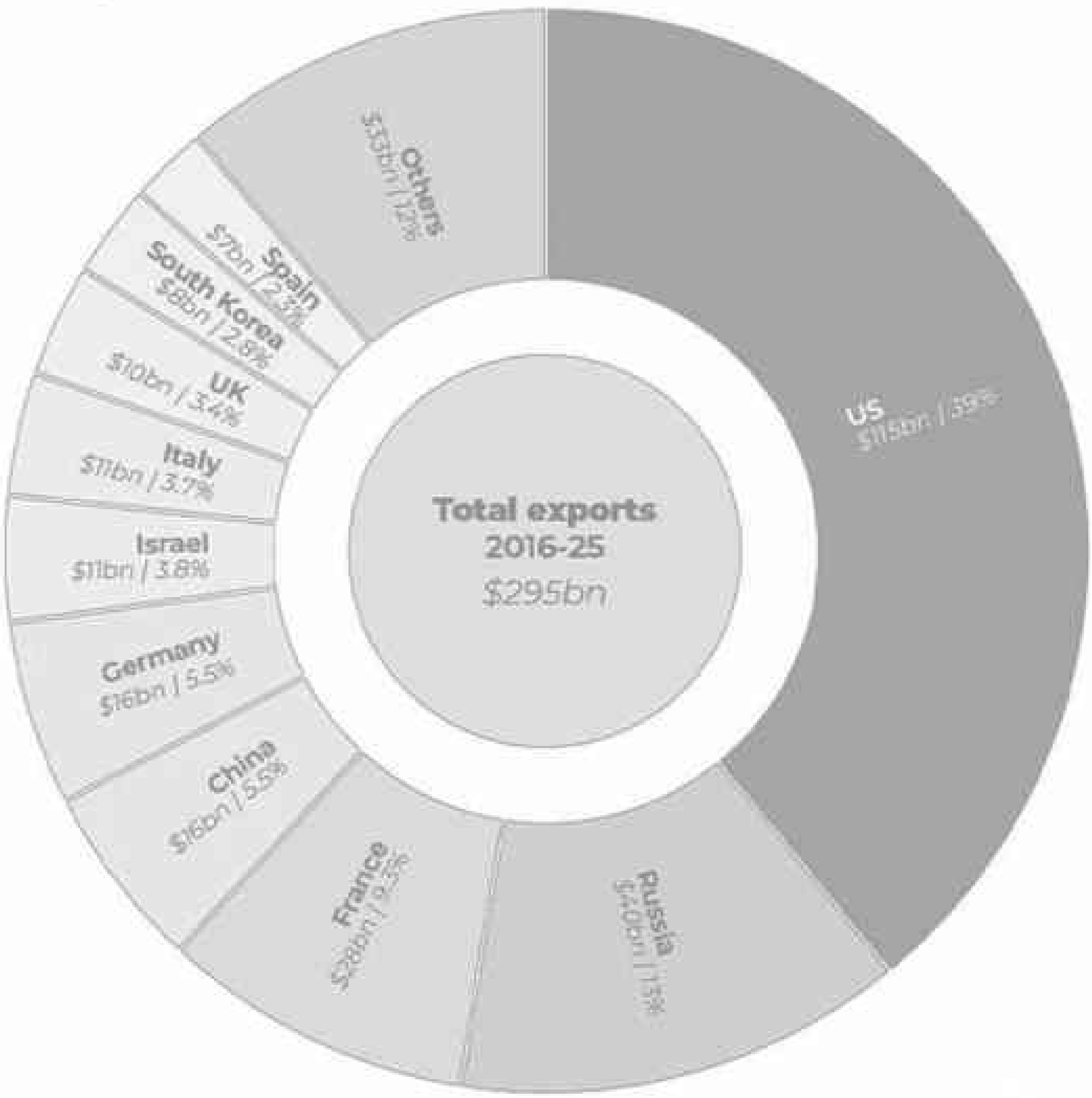
اول: ارتقای جایگاه مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و اتحادیه‌های مشابه از یک نهاد تشریفاتی و نمادین به یک بازیگر مؤثر در دیپلماسی پیشگیرانه. این نهادها باید دارای بودجه مستقل، دبیرخانه دائمی و اختیار میانجی‌گری فعال در اختلافات منطقه‌ای باشند.

دوم: ایجاد صندوق بازدارندگی اقتصادی متشکل از کشورهای ثروتمند اسلامی که در شرایط بحرانی، به کشورهای عضو تحت فشار، خط اعتباری بدون بهره و ضمانت های صادراتی ارائه دهد. این صندوق می‌تواند زیرمجموعه بانک توسعه اسلامی راه‌اندازی شود.

سوم: تشکیل شورای امنیت اسلامی به عنوان نهاد عالی حل اختلاف که از میان وزرای خارجه یا نمایندگان عالیرتبه کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی انتخاب می‌شود. این شورا باید دارای اختیار صدور رأی الزام‌آور در اختلافات مرزی یا سیاسی میان اعضا باشد و مکانیسم‌های اجرایی برای تصمیمات خود تعریف کند.

جنگ اخیر نشان داد که هزینه نداشتن تقریب در جهان اسلام، با جان و مال مسلمانان پرداخت می‌شود. اما تجربه موفق آشتی ایران و عربستان، پایان بحران قطر و عادی سازی روابط ترکیه با همسایگانش نشان داد که تقریب شدنی است، مشروط بر آنکه از یک شعار به یک نهاد تبدیل شود. اگر نهادهای موجود تقریب -از سازمان همکاری اسلامی گرفته تا مجامع نخبگانی- با اختیارات واقعی و بودجه کافی تجهیز شوند، آنگاه جهان اسلامی می‌تواند از یک عرصه منازعه به یک بلوک بازدارنده تبدیل شود که در آن جنگ، نه یک گزینه محتمل، بلکه یک خطای غیرقابل تصور است.

جهان اسلام امروز بیش از هر زمان دیگر به "ناتوی اسلامی" نیاز ندارد؛ به "اتحادیه تقریب اسلامی" نیاز دارد. اتحادیه‌ای که بر پایه همگرایی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از جنگ جلوگیری کند، نه بر پایه موازنه قدرت، جنگ را مدیریت کند.



کاسبان جنگ
چه کشورهایی بیشترین فروش سلاح را در جهان دارند؟

بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۵، ۲۹۵ میلیارد دلار سلاح در سراسر جهان فروخته شده است. ایالات متحده با ۳۹ درصد (۱۱۵ میلیارد دلار) بزرگترین صادرکننده سلاح در جهان است. روسیه با ۱۳ درصد (۴۰ میلیارد دلار) در رتبه دوم قرار دارد. فرانسه با ۹.۳ درصد (۲۸ میلیارد دلار) سوم است و چین و آلمان هرکدام با ۵.۵ درصد (۱۶ میلیارد دلار) در رتبه‌های بعدی قرار دارند. بین سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۴، شرکت‌های خصوصی ۲.۴ تریلیون دلار قرارداد با پنتاگون دریافت کرده‌اند که بیش از نیمی از هزینه‌های اختیاری وزارت دفاع آمریکا را تشکیل می‌دهد. یک سوم این قراردادها (۷۷۱ میلیارد دلار) تنها به پنج شرکت (لاکهید مارتین، ریتیون، بوئینگ، جنرال داینامیکس و نورتروپ گرامن) تعلق داشته است.

هوش مصنوعی فرمانده اتاق جنگ

تحولات اخیر در عرصه فناوری‌های نظامی نشان می‌دهد که مفهوم «هوش مصنوعی در جنگ» در حال عبور از مرحله ابزارمحور به مرحله‌ای عمیق‌تر و ساختاری‌تر است. آن چه امروز در برخی منازعات منطقه‌ای از جمله تجاوز نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی به خاک ایران مشاهده می‌شود، نه صرفاً استفاده از الگوریتم‌ها برای تحلیل داده، بلکه استقرار نوعی «موتور مشورتی مبتنی بر مدل های زبانی بزرگ» در سطوح فرماندهی است؛ پدیده‌ای که می‌توان آن را به‌مثابه شکل‌گیری «اتاق جنگ جدید» در معماری قدرت نظامی تفسیر کرد. به همین مناسبت، مؤسسه فناوری ماساچوست در گزارشی به بررسی این روند نوظهور پرداخته است.

گذار از تحلیل داده به تولید توصیه عملیاتی

براساس گزارش مؤسسه فناوری ماساچوست، کاربرد هوش مصنوعی در میدان نبرد پدیده‌ای نوظهور نیست. از زمان جنگ افغانستان، سامانه‌هایی طراحی شدند که قادر بودند در میان حجم عظیمی از داده‌های نظارتی، الگوهای معنادار را شناسایی کنند. در ادامه، در جنگ اوکراین، پهپادهای خودمختار با قابلیت ناوبری مبتنی بر هوش مصنوعی توسعه یافتند و رژیم صهیونیستی نیز از سامانه‌های تحلیل داده برای شناسایی اهداف خود در نسل کشی شهروندان غزه بهره می‌برد.

با این حال، تحول بنیادین امروز هوش مصنوعی را از نقش «تحلیل‌گر» به نقش «مشاور تصمیم‌گیری» ارتقا داده است. مدل‌های زبانی بزرگ که پیش‌تر در حوزه‌های غیرنظامی مانند خدمات مشتری یا تولید محتوا به‌کار گرفته می‌شدند، اکنون در حال ورود به حساس‌ترین لایه‌های فرماندهی نظامی هستند. این سامانه‌ها نه‌تنها داده‌ها را پردازش می‌کنند، بلکه به فرماندهان پیشنهاد می‌دهند که کدام هدف در اولویت حمله قرار گیرد یا چه سناریویی در میدان نبرد مطلوب‌تر است.



بازآرایی زنجیره تصمیم‌سازی نظامی

این تغییر، ساختار سنتی زنجیره تصمیم‌گیری را دگرگون می‌کند. در گذشته، تحلیل‌گران اطلاعاتی داده‌ها را پالایش و به فرماندهان ارائه می‌کردند. اکنون سامانه‌هایی مانند «پروژه میون» (Project Maven) در ارتش آمریکا، با توسعه بر پایه فناوری شرکت‌هایی نظیر پالانتیر، این فرآیند را تا حد زیادی خودکار کرده اند.

ورود مدل‌های زبانی پیشرفته، این زنجیره را یک گام جلوتر برده است. به‌گونه‌ای که نیروهای نظامی می‌توانند فهرستی از اهداف بالقوه را به یک چت‌بات ارائه دهند و از آن درباره اولویت‌بندی حملات مشورت بگیرند. حتی ابزارهایی مانند کلاد، متعلق به شرکت آنتروپیک، به‌قدری در ساختار عملیاتی برخی نهادهای نظامی آمریکا نفوذ کرده‌اند که حذف آن‌ها به‌سادگی ممکن نیست.

در سطح جهانی نیز این روند در حال گسترش است. بر همین اساس، چین به صورت موازی در حال توسعه سامانه‌های مشابه است و این امر بیانگر شکل‌گیری نوعی رقابت فناورانه جدید در حوزه «هوش مصنوعی نظامی» است.

ریسک‌های ساختاری: از خطای الگوریتمی تا سوگیری نهادی

با وجود جذابیت‌های عملیاتی، این تحول با برخی مخاطرات جدی نیز همراه است. نخستین چالش، ماهیت ذاتاً غیرقطعی مدل‌های زبانی است. به اذعان متخصصان، این سامانه‌ها حتی در مواجهه با ورودی‌های مشابه، خروجی‌های متفاوت تولید می کنند و توصیه‌های آن‌ها الزاماً دقیق یا قابل اتکا نیست. در شرایطی که فرماندهان تحت فشار زمانی شدید قرار دارند، احتمال اتکای بیش از حد به این خروجی‌ها افزایش می یابد و این امر می‌تواند به تصمیمات نادرست با پیامدهای غیرقابل جبران منجر شود.

چالش دوم، شکل‌گیری نوعی «اعتماد ساختاری» به سیستم‌هایی است که جهان پیچیده را به یک داشبورد ساده تقلیل می‌دهند. این ساده‌سازی ممکن است درک فرماندهان از واقعیت میدان را تحریف کند و آن‌ها را به پذیرش بی‌چون‌وچرای پیشنهادهای سیستم سوق دهد.

در سطحی عمیق‌تر، وابستگی به این سامانه‌ها می‌تواند به افزایش نفوذ شرکت‌های فناوری در فرآیندهای نظامی منجر شود. شرکت‌هایی مانند اوپن‌ای‌آی و سایر بازیگران سیلیکون‌ولی، این حوزه را به‌عنوان یک بازار پرسود می‌بینند و تلاش می‌کنند با ارائه مدل‌های پیشرفته، جایگاه خود را در ساختار دفاعی کشورها تثبیت کنند. این روند مرز میان بخش خصوصی و ساختارهای امنیتی را بیش از پیش تضعیف می‌کند.

مسئله امنیت اطلاعات و حاکمیت داده
به باور کارشناسان، یکی از نگران‌کننده‌ترین ابعاد این تحول، برنامه‌هایی است که اجازه می‌دهد مدل‌های هوش مصنوعی با داده‌های طبقه‌بندی‌شده نظامی آموزش ببینند. چنین رویکردی به این معناست که اطلاعات حساس، از داده های نظارتی تا ارزیابی‌های میدان نبرد، در درون مدل‌ها ادغام می‌شود.

برهمین اساس، می‌توان نتیجه گرفت که این امر دو پیامد راهبردی دارد:

نخست، افزایش ریسک نشت اطلاعات یا سوءاستفاده از آن‌ها
دوم، ایجاد وابستگی ساختاری به زیرساخت‌های فناوری خارجی و اختلال در حاکمیت اطلاعاتی کشورها
خلأ نظارت عمومی و چالش مشروعیت
درحالی که این فناوری‌ها با سرعت درحال استقرار هستند، سازوکارهای نظارتی متناسب با آن‌ها شکل نگرفته است. افکار عمومی عملاً امکان ارزیابی نقش این سامانه ها در تصمیمات نظامی را ندارد و حتی در اسناد داخلی برخی نهادهای دفاعی، مفهوم «هوش مصنوعی مسئولانه» به‌عنوان یک ایده آرمان‌گرایانه توصیف شده است.

بسیاری از متخصصان نظامی غربی هشدار می‌دهند که این شکاف میان توسعه فناوری و نظارت، می‌تواند به بحران مشروعیت در استفاده از هوش مصنوعی در جنگ منجر شود، به‌ویژه در مواردی که خطاهای الگوریتمی به تلفات انسانی یا تصمیمات نادرست منتهی شود.

آن چه امروز در حال شکل‌گیری است، صرفاً یک ابزار جدید در زرادخانه نظامی نیست، بلکه بازتعریف رابطه میان انسان، ماشین و تصمیم‌گیری در جنگ است.

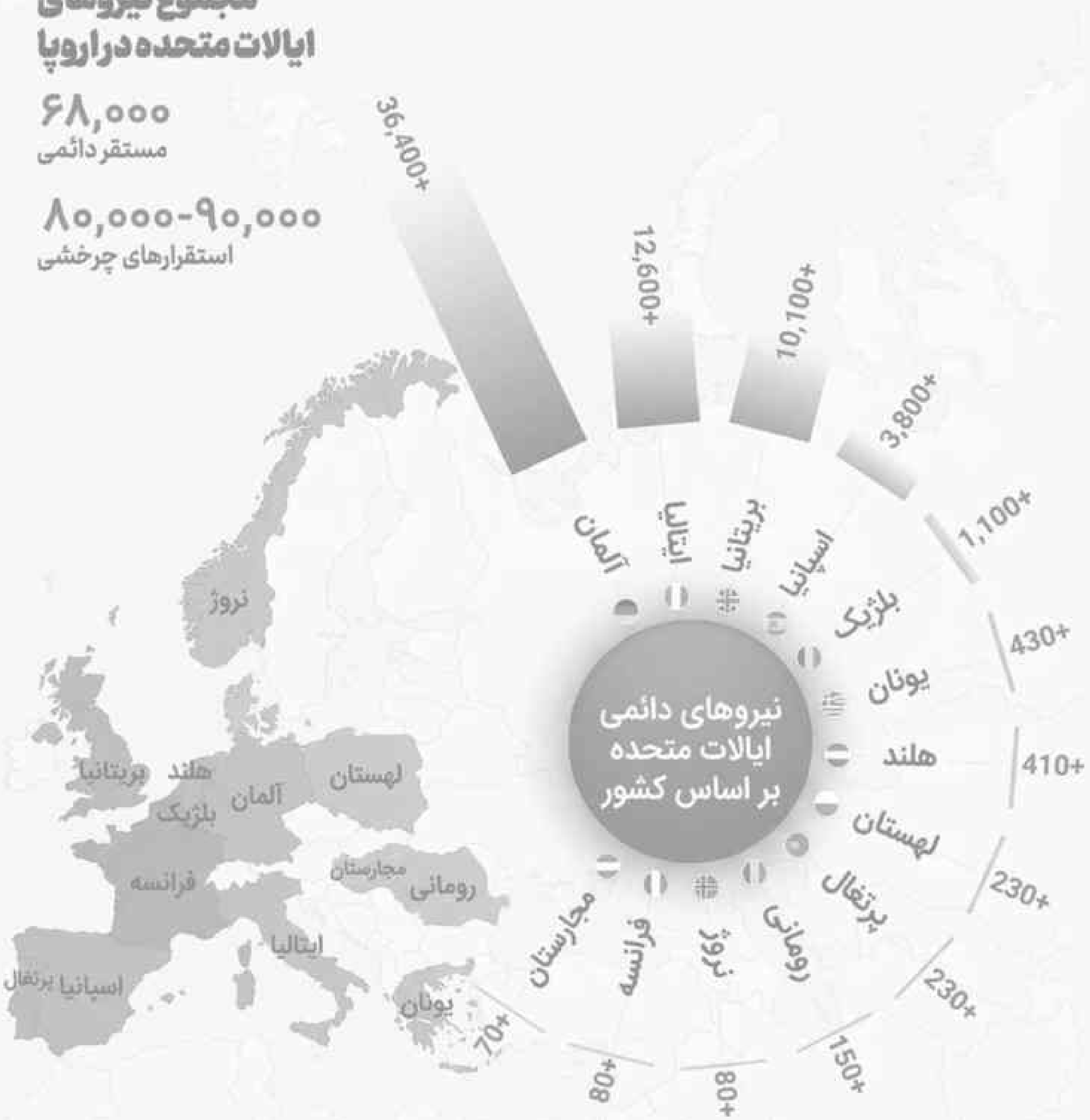
حضور نظامی ایالات متحده در اروپا

طرح خروج نیروهای دولت ترامپ از آلمان، تمرکز مجددی را بر ردپای نظامی ایالات متحده در اروپا ایجاد کرده است، جایی که نیروهای آمریکایی در ۳۱ پایگاه دائمی و ۱۹ سایت نظامی دیگر مستقر هستند.

مجموع نیروهای ایالات متحده در اروپا

۶۸,۰۰۰
مستقر دائمی

۸۰,۰۰۰-۹۰,۰۰۰
استقرارهای چرخشی





نقش هوش مصنوعی در جنگ اخیر و ترسیم جایگاه آن با ماموریت دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی

سیدعلی بطحائی معاون پژوهشی و فناوری دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی

امروز، هوش مصنوعی دیگر صرفاً یک ابزار نوظهور نیست؛ بلکه به نیروی محرکه در تحولات بنیادین تبدیل و زندگی روزمره را از امور ساده تا پیچیده‌ترین معادلات بین المللی در برگرفته است. درک عمیق ماهیت این پدیده مدرن، هم جنبه‌های شگرف آن و هم خطرات بالقوه‌اش، مسئولیت خطیری بر دوش دانشگاهیان و به‌ویژه فعالان حوزه رشد، نوآوری و کارآفرینی قرار داده است. دفتر رشد، نوآوری و کارآفرینی مستقر در معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، با مأموریت ویژه خود در ترویج همزیستی، در قلب این چالش و فرصت قرار گرفته دارد.

گزافه نیست اگر ادعا کنیم هوش مصنوعی دگرگونی بنیادینی در جنگ و صلح بوجود آورده است. جنگ تحمیلی اخیر، نخستین میدان واقعی بود که در آن «جنگ الگوریتمی» به‌جای درگیری‌های متعارف ظهور کرد؛ جنگی که نه بر مبنای حضور انسان در میدان، بلکه بر اساس محاسبات بی روح و تصمیمات هوش مصنوعی پیش رفت. در جنگ‌های کلاسیک، فرماندهان در میان آتش و خاک حضور داشتند و با چشمان خود رنج انسان‌ها را می‌دیدند؛ همین مواجهه انسانی، عامل بازدارنده‌ای در تصمیم‌گیری‌های نظامی بود. اما اکنون، فاصله ادراکی میان تصمیم‌گیر و میدان نبرد، با هوش مصنوعی به اوج خود رسید. الگوریتم‌های هوش مصنوعی جایگزین تجربه انسانی شدند و سامانه‌های ماژولار تصمیم‌هایی را می‌گیرند که مستقیماً به مرگ یا زندگی افراد می‌انجامد. حذف رویارویی انسانی از فرآیند تصمیم‌گیری، منشأ فاجعه‌آفرینی بزرگی شده است؛ خطی باریک میان فناوری و فجایع انسانی پدید آمده که اگر مهار نشود، ارزش‌های اخلاقی در جنگ را از میان خواهد برد.

جنگ اخیر نشـان داده اسـت کـه هوش مصنوعـی فاقد درک انسـانیت انسـان اسـت. در میدان نبرد، این فناوری ممکن اسـت میان کودک، غیرنظامی یا نیروی تسلیم‌شـده تفاوت معناداری قائل نشـود و اصـول بنیادین حقوق جنگ را نادیده بگیرد. در حادثه مدرسـه شـجره طیبه میناب، هرچنـد گمانه هایی درباره خطـای هـوش مصنوعی مـطرح شـد، امـا تحلیل‌هـای دقیق‌تـر نشـان داد که مسـئله، فراتـر از خطـا و به حوزه طراحـی عامدانـه الگوریتم‌های هـوش مصنوعی برمی‌گـردد؛ یعنـی جایـی کـه اخلاق و انسـانیت از معـادلات جنگ حذف شـد. این نشـان می‌دهد که نظارت انسـانی نبایـد به تأیید نمادیـن تقلیل یابد، بلکـه باید در مرکز تصمیم‌گیری نظامی باقی بماند تا از وقوع فجایع اخلاقی جلوگیری شود.

بـا این همـه، نمی‌تـوان منکر فوایـد هوش مصنوعـی در جنگ شـد. این فنـاوری در پیش‌بینـی خطـرات، تحلیل سریـع داده‌ها، کاهش تلفـات نظامیان و ارائـه مدل‌های دقیـق بـرای تصمیم‌گـیری، مزایایـی چشـمگیر دارد. آنچـه خطرآفرین اسـت، نه خود فناوری، بلکه شـیوه به‌کارگیری آن بدون چارچوب انسـانی و مذهبی اسـت. آینده جنگ و صلح به چگونگی تنظیم رابطه میان «الگوریتم» و «انسان» وابسته است.

در این مسـیر، دانشـگاه بیـن المللی مذاهـب اسلامی بـا ماموریت خاص همزیسـتی مذاهـب و ترویـج اخلاق بیـن پیروان مذاهـب اسلامـی، می‌تواند نقـش بی‌بدیلی ایفا کنـد. دانشـگاهی که بـه جای صـرف آموزش فنـاوری، به تربیـت دانشـجویانی متفکر، اخلاق‌مـدار و چندمذهبـی و فرهنگـی اهتمام دارد، قادر است الگوریتم‌هـا را در چارچوب ارزش‌هـای انسـانی، باورهـای ادیـان و تفاوت هـای مذاهب اسلامـی را هدایت کنـد. دفتر رشـد، نـوآوری و کارآفرینی باید از هـوش مصنوعی نه فقط برای توسـعه فناورانه، بلکه برای ارتقای صلح، گفت‌وگو و هم‌زیستی استفاده کند. در این راستا می بایست:

۱. ایجـاد کارگروه اخلاق هـوش مصنوعـی در دفتـر رشـد و نـوآوری، با حضور اسـتادان حوزه‌هـای فنی، فلسـفی و الهیاتی؛ ایـن کارگروه می‌تواند چارچوب اخلاقی اسـتفاده از هوش مصنوعی در جامعه و صنایع دفاعی را تدوین کند.

۲. طراحی برنامه‌های مشـترک میان دانشـجویان رشـته‌های مهندسـی و علوم انسـانی با هدف توسـعه ابزارهـای هوشـمند صلح‌محور؛ سـامانه‌هایی که به جـای تصمیم‌گـیری نظامـی، بـه پیش‌بینـی خطـرات انسـانی و زیسـت محیطی بپردازند.

۳. برگـزاری همایش «هوش مصنوعی، اخلاق و همزیسـتی مذاهب» به عنـوان بسـتری بـرای گفت‌وگـوی بین‌فرهنگـی و بین‌دینـی در زمینـه مرزهای فناوری و مسئولیت انسانی.

۴. حمایت از اسـتارتاپ‌های صلح طلـب و عدالت محور که مأموریت آنها اسـتفاده از هـوش مصنوعی در حـل منازعـات، کاهش سوءبرداشـت‌ها و تقویـت گفت‌وگو میان جوامع مذهبی و چند فرهنگی است.

۵. گسـترش همکاری میان دفتر رشـد و مراکز پژوهشـی بین‌المللـی در حوزه اخلاق فناوری تا دانشـگاه بین المللـی مذاهب اسلامی بتواند الگویی از همزیسـتی مبتنی بر دانش و ارزش فراهم کند.

بدین‌ترتیب، دفتر رشـد، نـوآوری و کارآفرینی دانشـگاه ما با رسـالت همگرایی و تقریب مذاهـب، نه فقـط مأموریت علمـی، بلکه مأموریت انسـانی خود را تحقق می‌بخشـد: همزیسـتی میـان انسـان‌ها و الگوریتم‌ها در سـایه خـرد و اخلاق، نه در میـدان نبرد، بلکه در میدان گفت‌وگو، صلح و تعامل مذهبی.

روایت دیجی کالا از زندگی مردم در جنگ

دیجی کالا در گزارشی لیست بیشترین خریدهای مردم از سایتش را در ایام مختلف جنگ بررسی کرده است که به نتایج جالبی دست یافته

۸ تا ۲۰ اسفند | خرید برای زنده ماندن



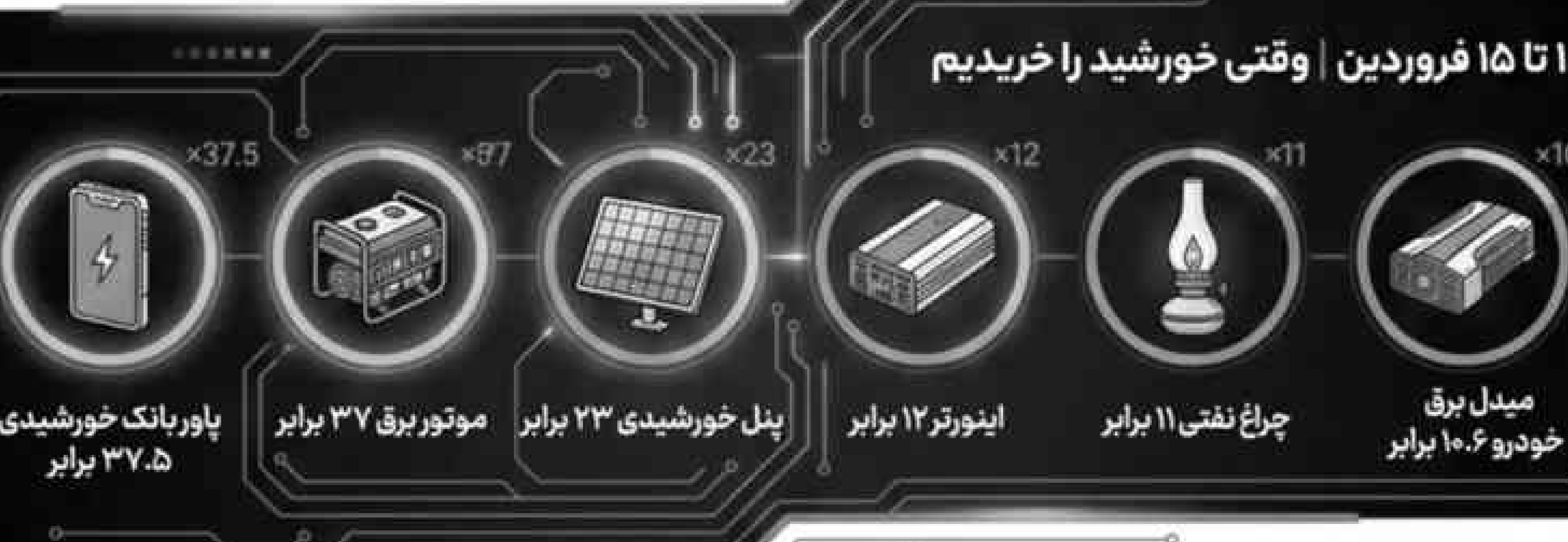
بخاری نفتی ۱.۳ برابر | گالن بنزین ۱.۵ برابر | ماسک شیمیایی ۱.۴ برابر | کنسرو ۱.۷ برابر | تصفیه هوا ۳.۸ برابر

۲۱ تا ۲۹ اسفند | لجاجت نوروز در برابر باروت



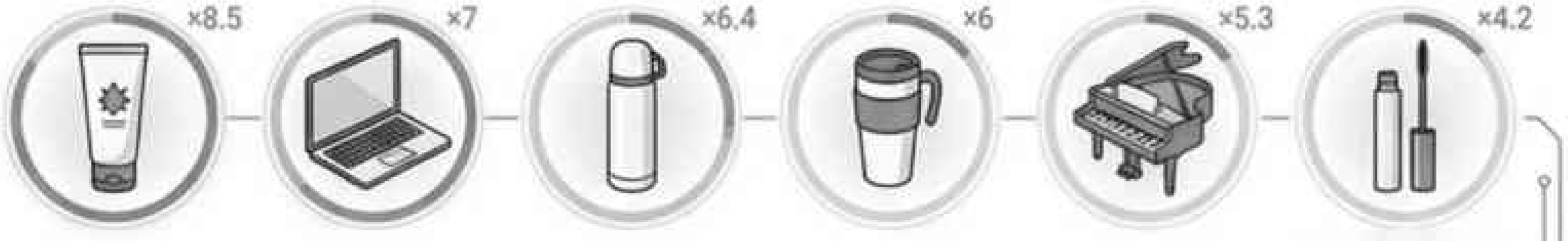
پوشک بچه ۱.۶ برابر | ترقه چهارشنبه سوری ۱.۵ برابر | آکواریوم ۲.۴ برابر | هفت سین ۲.۴ برابر | آجیل ۸ برابر

۱ تا ۱۵ فروردین | وقتی خورشید را خریدیم



میدل برق خودرو ۱۰.۶ برابر | چراغ نفتی ۱۱ برابر | اینورتر ۱۲ برابر | پنل خورشیدی ۲۳ برابر | موتور برق ۳۷ برابر | پاور بانک خورشیدی ۳۷.۵ برابر

۱۶ تا ۳۱ فروردین | آتش‌بس و آشتی با زندگی



ژل ابرو ۴.۲ برابر | پیانو ۵.۳ برابر | تراول ماگ ۶ برابر | فلاسک ۶.۴ برابر | مک بوک ۷ برابر | کرم آبرسان ۸.۵ برابر



ضرورت بازنگری در پروژه همزیستی میان‌مذاهبی در دورهٔ پساجنگ

نویسنده: سید جلال محمودی (عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی)

..این حرف راست است که ما به «گذشته» مدیونیم. اما تمام وظیفه و تعهد ما نسبت به گذشته نیست، بلکه وظایفی نیز نسبت به «آینده» داریم و شاید این وظیفه و تعهد بزرگ‌تر از آن باشد که نسبت به گذشته داریم. (جواهرلعل نهرو، نگاهی به تاریخ جهان، ج ۳، ص ۱۸۱)

جنگ‌ها در طول تاریخ تأثیرات بسیار مهمی بر حیات فکری و اجتماعی ملت‌ها داشته‌اند. جنگ‌های اثرگذار در بسیاری از موارد، ملت‌ها را به سمت بازنگری و بازاندیشی در راهبردها، سازوکارهای فکری و اجرایی سوق داده‌اند به نحوی که دنیای پس از جنگ هرگز قابل مقایسه با جهان پیش آن نبوده است؛ وضعیت حاکم پس از جنگ، مستلزم فراگیری نظام تازه‌ای از واکنش‌ها و سازوکارهای متناسب نسبت به عادت‌های فکری و اجرایی پیش از جنگ می‌باشد.

به نظر نگارنده، جنگ تحمیلی رمضان، دست‌کم، برای پروژه تقریب چنین پیامدی به دنبال داشته است؛ نتایج سیاسی و اقتصادی این جنگ هنوز دامن‌گیر جهان است و اهل فن دربارهٔ آن سخن بسیار گفته و ناگفته هم بسیار دارند. نویسنده بر این باور است تبعاتِ جنگ رمضان، سرانجام منتهی و منجر به تغییر در سازوکارهای قدیمی پروژه تقریب خواهد شد به‌گونه‌ای که راهبردهای دوران پیش از جنگ دیگر برای پساجنگ نمی‌توانند کارایی لازم را داشته باشند. شاید گزافه نباشد اگر گفته شود پروژه وحدت و تقریب میان‌مذاهبی در دورهٔ پساجنگ نیازمندِ یک بازخوانی و بازنگری اساسی در اسناد بالادستی و به تبع اسناد تحول برآمده از آنهاست و دیگر نمی‌توان به مانند پیش از جنگ با آن تعامل داشت. این دگرگونی به دنبال خود، تغییر در راهبردها و سپس برنامه‌های عملیاتی را هم در پی خواهد داشت.

درک وضعیت جدید دوره پساجنگ، برای تداوم پروژه همزیستی میان مذاهبی در آینده، یک ضرورت اساسی است.

عـدم توجـه به این مهم و تعصب نسـبت بـه عادت‌های فـکری و اجرایی قدیمی، ممکن اسـت مسـأله تقریب را در آینده با مشـکل جـدی مواجه کرده و آن را از اولویـت مأموریتـی ملت‌های مسـلمان خارج نماید. ایـن نگرانی برای آیندهٔ پروژه همزیسـتیِ مذهبـی آن قَدر آشـکار هسـت که قابل اغماض نباشـد. شـاید کسـانی به جهـت عادت به فضای فـکری دورهٔ پیشـاجنگ که در زمان خود بسـیار ارزشـمند و اثرگـذار هـم بوده، هنـوز متوجه ایـن تغییر وضعیت نشـده باشـند اما انتظـار مـی‌رود متفکـران و استراتژیسـت‌های ایـن عرصه بـا ارج نهادن بـه تمامی زحمـات گذشـتگان، نسـبت بـه آینـده ایـن مهـم توجـه ویژه نشـان دهنـد و یک بازاندیشـی جدی در خصوص آن داشـته باشـند؛ یک خط مشـی تازه شـامل ترسیم افق‌هـای جدیـد، مطابق با وضعیت پسـاجنگ پیـش روی نیروهای صـف و علمیاتی قرار دهند تا مجبور نشـویم راه رفته و کوبیده شـده گذشـته را، که در دورهٔ پساجنگ ما را بـه مقصـد نمی‌رسـاند، از نو بپیماییم.عـدم توجـه بـه این مهم و تعصب نسـبت به عادت‌هـای فـکری و اجرایی قدیمی، ممکن اسـت مسـأله تقریب را در آینده با مشـکل جـدی مواجه کـرده و آن را از اولویـت مأموریتی مِلت‌های مسـلمان خـارج نماید. این نگرانـی برای آینـدهٔ پروژه همزیسـتیِ مذهبی آن قَدر آشـکار هسـت کـه قابل اغماض نباشـد. شـاید کسـانی به جهت عـادت به فضای فـکری دورهٔ پیشـاجنگ کـه در زمان خود بسـیار ارزشـمند و اثرگذار هم بوده، هنوز متوجه این تغییر وضعیت نشـده باشـند اما انتظـار مـی‌رود متفکـران و استراتژیسـت‌های این عرصه بـا ارج نهادن بـه تمامی زحمات گذشـتگان، نسـبت به آینده این مهم توجه ویژه نشـان دهند و یک بازاندیشـی جدی در خصوص آن داشـته باشـند؛ یک خط مشـی تازه شـامل ترسـیم افق‌های جدید، مطابـق بـا وضعیت پسـاجنگ پیـش روی نیروهـای صـف و علمیاتی قـرار دهند تـا مجبور نشـویم راه رفته و کوبیده شـده گذشـته را، که در دورهٔ پسـاجنگ ما را به مقصد نمی‌رساند، از نو بپیماییم.

در دورهٔ پیشـاجنگ، آینـده ایـدهٔ همزیسـتی و تقریب بهتـر از دورهٔ پسـاجنگ می‌نمود؛ اکنـون باید بـا توجه به تغییـر وضعیت و شـرایط پیش آمـده نگران آینـده بود. جا دارد نگرانـی از تقابل مذهبی در آینده خاورمیانه دغدغه اندیشـه‌ورزان این عرصه شـود و از هم اکنون متناسـب با شـرایط جدیدِ پسـاجنگ به فکر چاره باشـیم تا خدای ناکرده ثمره سـالیان سـال سـرمایه‌گذاری و زحمت عالمان و دلسـوزان این عرصه هدر نرود.

اگـرچـه بـه قـول ویلیـام فاکنـر در خوشـه‌های خشـم «گذشـته هرگز نگذشـته و در ما جریان دارد» اما زمانِ تاریخیِ گذشـته با همه فـراز و فرودها و دسـتاوردهای ارزشمندش سپری شـده است و آینده پروژهٔ همزیسـتی در گروِ درکِ شـرایط جدید پسـاجنگ و تدوین راهبردهای متناسـب با این وضعیـت نوظهور، با در نظر داشـتِ تجربه گذشته اسـت. شاید مجبور شویم برای رسـیدن به این مهم و در چارچـوب تغییر پارادایم، دسـت بـه یک سری حک و اصلاح‌هـای بافضیلت بزنیم؛ ایـده آل‌گرایـی را کناری بگذاریـم و با چشم‌پوشـی از تفکر افقی خود را بـا زمین گرم واقعیت‌ها رودررو کنیم تا همچنان راه دلسـوزان گذشـته را در شـاکله و لونی دیگر با قوّت ادامه دهیم.